

۳۸۶۴۷/ ۱۶۰۱۶۰
۱۳۸۷ - ۹ - ۲۲



جمهوری اسلامی ایران
رئیس جمهور

بسمه تعالی

"با صلوات بر محمد و آل محمد"

جناب آقای دکتر لاریجانی

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

ورود به دبیرخانه شورای نگهبان

شماره ثبت : ۸۷/۱۱/۲۹۷۲۲ صبح
تاریخ ثبت :
عصر
القدام کتفه : ۸۷/ ۱۶/ ۴

لایحه "آیین دادرسی دیوان عدالت اداری" که بنا به پیشنهاد قوه قضائیه در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۶ هیئت وزیران به تصویب رسیده است، جهت طی تشریفات قانونی به پیوست تقدیم می گردد.

محمود احمدی نژاد

رئیس جمهور

رونوشت: دفتر رئیس جمهور، دفتر معاون اول رئیس جمهور، شورای نگهبان، دفتر معاون حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور، وزارت دادگستری، دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت و دفتر هیئت دولت.

بسمه تعالی

مقدمه توجیهی:

در چارچوب وظایف مصرح در اصل (۱۷۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر نحوه عمل دیوان به موجب قانون و نیز سیاست‌های کلی قضایی مبتنی بر "ضرورت تخصصی کردن رسیدگی به دعاوی"، "کاستن از مراحل دادرسی به منظور دستیابی به قطعیت احکام در زمان مناسب" و "استفاده از روش داوری و حکمیت در حل و فصل دعاوی"، تدوین قانونی جامع راجع به شیوه دادرسی در دیوان عدالت اداری امری ضروری است که در ماده (۴۸) قانون دیوان عدالت اداری - مصوب ۱۳۸۵ - نیز مورد تأکید قرار گرفته است. لذا به منظور پیش‌بینی سازوکارهای لازم جهت اجرای مؤثر آرای دیوان، سرعت بخشی و دقت در رسیدگی‌ها در دیوان، به وجود آوردن امکان رسیدگی تخصصی به دعاوی، استفاده از امکانات مخابراتی رایانه‌ای در مراحل مختلف دادرسی، پیش‌بینی سازوکارهای لازم برای حل و فصل غیرقضایی اختلافات بین مردم و دولت، نظام‌مند کردن بعد نظارتی قوه قضاییه در جهت وظیفه نظارتی این قوه؛ لایحه زیر جهت طی تشریفات قانونی تقدیم می‌شود:

لایحه "آئین دادرسی دیوان عدالت اداری"

فصل اول - کلیات

ماده ۱- رسیدگی به دعاوی در دیوان عدالت اداری که در این قانون به اختصار "دیوان" نامیده می‌شود، بر اساس ترتیباتی است که در این قانون و قانون دیوان عدالت اداری - مصوب ۱۳۸۵ - مقرر شده است.

ماده ۲- شعب فعلی دیوان، جایگزین شعب بدوی و تجدیدنظر سابق، از جهت رفع ابهام و اجرای احکام و امثال آن، می‌باشند و صدور حکم اصلاحی یا دستور اجرای حکم و انفصال مستنکف و امثال آن که طبق قانون دیوان و سایر مقررات، به عهده شعب صادرکننده رأی می‌باشد، در خصوص پرونده‌های مختومه بر اساس تشکیلات سابق، به عهده شعب مشابه آن از حیث شماره، در تشکیلات فعلی دیوان می‌باشد.

ماده ۳- هیچ یک از شعب دیوان نمی‌تواند به شکایتی رسیدگی کند، مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان، رسیدگی به شکایت را برابر قانون، درخواست کرده باشند.

ماده ۴- شعب دیوان مکلفند در مورد هر شکایت، به طور خاص تعیین تکلیف نمایند و نباید به صورت عام و کلی، حکم صادر کنند.



ماده ۵- دیوان در تهران مستقر می‌باشد و با دستور رییس قوه قضاییه برای تسهیل در حل مشکلات می‌تواند دفاتر اداری در محل دادگستری یا دفتر بازرسی کل کشور در هر یک از مراکز استان‌ها تأسیس نماید. این دفاتر عهده‌دار وظایف زیر می‌باشند:

- الف - راهنمایی و ارشاد مراجعان؛
ب - پذیرش و ثبت دادخواست‌ها و درخواست‌های شاکیان مطابق با مقررات قانونی ثبت دادخواست و درخواست؛
ج - ابلاغ نسخه دوم شکایات یا آرای صادر شده از سوی دیوان در حوزه آن دفتر که از طریق نمابر یا پست الکترونیکی یا به هر طریق دیگری از دیوان دریافت داشته‌اند؛
د - انجام دستورات واحد اجرای احکام دیوان در حوزه مربوط به آن دفتر.
- تبصره - آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف سه ماه توسط رییس دیوان تهیه و بعد از تأیید رییس قوه قضاییه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده ۶- رییس دیوان می‌تواند برخی اختیارات خود را به معاونان ذی‌ربط دیوان تفویض نماید.
ماده ۷- نحوه تشکیل شعب و انتخاب اعضا و دیگر مقررات مربوط به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط رییس دیوان تهیه و پس از تأیید رییس قوه قضاییه، به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

فصل دوم - دادخواست

ماده ۸- رسیدگی در شعب دیوان، مستلزم تقدیم دادخواست است. دادخواست باید به زبان فارسی روی برگه‌های مخصوص، تنظیم شود.

تبصره ۱- پرونده‌هایی که با صدور قرار عدم صلاحیت، از محاکم قضایی به دیوان ارسال می‌شوند، نیازی به تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی ندارند.

تبصره ۲- مهلت تقدیم دادخواست، راجع به موارد موضوع بند (۲) ماده (۱۳) قانون دیوان، برای اشخاص داخل کشور سه ماه و برای افراد مقیم خارج از کشور شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی یا تصمیم قطعی مرجع مربوط می‌باشد. مراجع مربوط مکلفند در رأی یا تصمیم خود، قابل اعتراض بودن آن را در دیوان ظرف مدت مزبور تصریح کنند.

ماده ۹- دادخواست باید حاوی نکات زیر باشد:

- الف - نام و نام خانوادگی، نام پدر، تاریخ تولد، کد ملی، شغل، تابعیت و اقامتگاه شاکی. در صورتی که شاکی شخص حقوقی باشد، نام، شماره ثبت و اقامتگاه آن؛
ب - مشخصات کامل طرف شکایت، در صورتی که شکایت به طرفیت واحد دولتی یا عمومی باشد، در صورتی که طرف شکایت، مأمور دولت باشد، نام، نام خانوادگی، سمت و اقامتگاه وی؛

- ج - نام، نام خانوادگی و اقامتگاه وکیل یا نماینده قانونی شاکی، در صورتی که دادخواست از طرف آنان تقدیم شود؛
- د - موضوع شکایت و خواسته؛
- ه - شرح شکایت؛
- و - مدارک و دلایل مورد استناد؛
- ز - امضا یا اثر انگشت شاکی یا وکیل یا نماینده قانونی او. در صورتی که دادخواست توسط شخص حقوقی تسلیم شده باشد، علاوه بر امضا، مهر شخص حقوقی نیز لازم است.
- تبصره - شاکی می تواند علاوه بر نشانی پستی، نشانی پست الکترونیکی یا شماره نمابر خود را اعلام نماید که در این صورت امر ابلاغ از طرق مزبور انجام می شود. نشانی باید به نحوی باشد که ابلاغ اوراق به شاکی و طرف شکایت به سهولت ممکن باشد.
- ماده ۱۰ - هزینه دادرسی در شعب دیوان، پنجاه هزار ریال می باشد.
- تبصره - این مبلغ بر اساس نرخ تورم که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می شود، هر دو سال یک بار بنا به پیشنهاد رئیس دیوان و تأیید رئیس قوه قضاییه و تصویب هیئت وزیران قابل افزایش می باشد.
- ماده ۱۱ - شاکی باید رونوشت یا تصویر خوانا و مصدق اسناد و مدارک مورد استناد خود را پیوست دادخواست نماید.
- تبصره ۱ - تصویر یا رونوشت مدارک باید به وسیله دبیرخانه و یا دفاتر شعب دیوان و یا دفاتر اداری مستقر در مراکز استان ها و یا دفاتر دادگاه های عمومی یا دفاتر اسناد رسمی و یا وکیل شاکی یا واحدهای دولتی و عمومی در مورد اسناد مربوط، تصدیق شود. در صورتی که رونوشت یا تصویر سند، خارج از کشور تهیه شده باشد، مطابقت آن با اصل، باید در دفتر یکی از سفارتخانه ها یا کنسولگری ها و یا دفاتر نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران، گواهی شود.
- تبصره ۲ - در مواردی که تصدیق اسناد و مدارک مربوط به واحدهای دولتی و عمومی از سوی شاکی متعذر باشد، دیوان مکلف به قبول تصویر یا رونوشت غیرمصدق می باشد ولی می تواند تصدیق آنها با اصول را از واحد مربوط بخواهد.
- ماده ۱۲ - در صورتی که سند به زبان فارسی نباشد، علاوه بر تصویر یا رونوشت مصدق، ترجمه گواهی شده آن نیز باید پیوست شود. صحت ترجمه و مطابقت تصویر یا رونوشت با اصل، باید به وسیله مترجمان رسمی یا سفارتخانه ها یا کنسولگری ها و یا دفاتر نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران گواهی شود.
- ماده ۱۳ - هرگاه دادخواست توسط وکیل یا نماینده قانونی شاکی تقدیم شده باشد، باید تصویر یا رونوشت مصدق سند مثبت سمت دادخواست دهنده نیز ضمیمه گردد.



ماده ۱۴- دادخواست و ضمائم آن باید به تعداد طرف شکایت به اضافه یک نسخه تهیه شود. این اوراق و همچنین اوراق مربوط به رفع نقص و تکمیل دادخواست به دبیرخانه دیوان یا دفاتر اداری آن مستقر در مراکز استان‌ها، تسلیم می‌شود و در فرض اخیر به وسیله پست سفارشی یا پست الکترونیکی، به دبیرخانه دیوان ارسال می‌گردد. تاریخ ثبت دادخواست در دبیرخانه دیوان یا دفاتر اداری یادشده، تاریخ تقدیم محسوب می‌شود.

ماده ۱۵- دبیرخانه دیوان یا دفاتر اداری آن مستقر در مراکز استان‌ها مکلفند دادخواست‌های واصل شده را به ترتیب وصول، ثبت نموده و رسیدی مشتمل بر شماره و تاریخ ثبت، نام شاکی و طرف شکایت، به شاکی، وکیل یا نماینده قانونی وی، تسلیم کنند.

ماده ۱۶- دبیرخانه دیوان مکلف است قبل از ارسال پرونده جهت ارجاع، با مراجعه به سوابق امر، چنانچه موردی حاکی از طرح قبلی شکایت وجود داشته باشد، مشخصات آن را در برگ دادخواست قید نماید.

ماده ۱۷- دادخواست‌های ثبت شده، توسط رئیس دیوان به شعب آن ارجاع می‌شود.

ماده ۱۸- چنانچه دادخواست، فاقد نام و نام خانوادگی شاکی یا اقامتگاه وی باشد، به موجب قرار مدیر دفتر شعبه، رد می‌شود. این قرار قطعی است، ولی صدور آن، مانع طرح مجدد شکایت نیست.

ماده ۱۹- در صورتی که هر یک از موارد مذکور در بندهای (ب) تا (و) ماده (۹) این قانون در دادخواست رعایت نشده باشد و همچنین چنانچه دادخواست از جهت شرایط مقرر در مواد (۱۰) تا (۱۴) این قانون نقص داشته باشد، مدیر دفتر شعبه ظرف دو روز نقایص دادخواست را طی اخطاریه‌ای به طور مستقیم یا از طریق دفاتر اداری مستقر در مراکز استان‌ها به شاکی اعلام می‌کند. شاکی، ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه، فرصت رفع نقص دارد و چنانچه در مهلت مذکور اقدام به رفع نقص ننماید، دادخواست به موجب قرار مدیر دفتر و در غیاب وی جانشین او، رد می‌گردد. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در همان شعبه دیوان است. رسیدگی به اعتراض نسبت به رد دادخواست، توسط رئیس شعبه یا یکی از مستشاران بر حسب ارجاع وی، انجام می‌شود و پس از صدور دستور توسط قاضی مزبور، مراتب توسط مدیر دفتر شعبه به معترض ابلاغ می‌گردد. این تصمیم قطعی است، ولی رد دادخواست، مانع طرح مجدد شکایت نیست.

ماده ۲۰- دادخواستی که دارای شرایط بند (ز) ماده (۹) این قانون نباشد، فاقد اعتبار بوده و توسط مدیر دفتر شعبه بایگانی می‌شود. مراتب به شخصی که نام وی در ستون شاکی درج گردیده است، اعلام می‌شود.

فصل سوم - جریان دادخواست تا موعد رسیدگی

ماده ۲۱- در صورت کامل بودن دادخواست و ضامنه یا تکمیل آن، مدیر دفتر شعبه مکلف است پرونده را فوراً به نظر رئیس شعبه برساند. شعبه دیوان ابتدا در مورد صلاحیت خود اتخاذ تصمیم نموده و در صورت قبول صلاحیت، طبق مواد بعدی رسیدگی را ادامه می‌دهد.

ماده ۲۲- اگر در ضمن یک دادخواست، شکایات متعددی مطرح شود که منشأ و مبنای آنها مختلف بوده و با یکدیگر ارتباط کامل نداشته باشند و شعبه دیوان نتواند ضمن یک دادرسی به آنها رسیدگی کند، شکایات مطرح شده را از یکدیگر تفکیک و به هر یک در صورت صلاحیت، جداگانه رسیدگی می‌کند و چنانچه نسبت به برخی موارد خود را صالح به رسیدگی نداند، طبق ماده (۳۲) این قانون اقدام می‌نماید.

ماده ۲۳- چنانچه اشخاص متعدد، شکایت‌های خود را به موجب یک دادخواست مطرح نمایند، در صورتی که شکایات مزبور منشأ و مبنای واحد داشته باشند، شعبه دیوان نسبت به همه موارد ضمن یک دادرسی، اتخاذ تصمیم نموده و گرنه قرار ابطال دادخواست را صادر می‌نماید.

ماده ۲۴- موضوع شکایت و خواسته باید بدون ابهام باشد. در صورتی که به تشخیص شعبه واجد ابهام باشد، مراتب طی اظهاریه‌ای به شاکی اعلام می‌گردد و شاکی مکلف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهاریه، نسبت به رفع ابهام اقدام نماید و گرنه شعبه دیوان نسبت به آن قسمت از دادخواست که مبهم است، قرار رد دادخواست صادر می‌نماید.

ماده ۲۵- چنانچه پرونده مشمول تبصره ماده (۴۴) قانون دیوان باشد، شعبه دیوان خارج از نوبت و بدون تبادل لوایح، رسیدگی و رأی صادر می‌نماید و در سایر موارد، پرونده به دفتر اعاده می‌شود تا پس از ابلاغ دادخواست و ضامنه آن به طرف شکایت، در نوبت به نظر شعبه برسد. در این صورت، طرف شکایت موظف است ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، نسبت به ارسال پاسخ اقدام کند. عدم وصول پاسخ، مانع رسیدگی نبوده و شعبه با توجه به مدارک موجود، به پرونده رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

فصل چهارم - دستور موقت

ماده ۲۶- شاکی می‌تواند ضمن دادخواست خود، تقاضای صدور دستور موقت نماید. پس از طرح شکایت اصلی، درخواست صدور دستور موقت باید تا قبل از ختم رسیدگی، به دیوان ارائه شود. این درخواست مستلزم پرداخت هزینه دادرسی نبوده و رسیدگی به آن در صلاحیت شعبه‌ای است که شکایت اصلی در آن مطرح می‌باشد.



ماده ۲۷- مدیر دفتر شعبه مکلف است پرونده را فوراً به نظر شعبه برساند و شعبه، موظف به اتخاذ تصمیم فوری است. شعبه باید مبادرت به اخذ توضیح از طرفین شکایت بنماید و طرفین مکلفند ظرف سه روز از تاریخ ابلاغ، پاسخ خود را ارائه نمایند. عدم پاسخگویی، مانع تصمیم‌گیری نمی‌باشد.

ماده ۲۸- شعبه دیوان پس از بررسی تقاضای دستور موقت، چنانچه دلایل و مدارک شاکی، فوریت و ضرورت دستور موقت را ایجاب نماید و موضوع عملیات نیز خاتمه نیافته یا دستور موقت مورد درخواست موضوعاً منتفی نشده باشد، برای حداکثر یک ماه دستور موقت صادر خواهد کرد. اثر این دستور از تاریخ صدور دستور موقت است، مگر در مواردی که تسری آن به گذشته در دستور صادر شده تصریح گردد که در آن صورت، اثر آن از تاریخ تقدیم درخواست خواهد بود.

ماده ۲۹- هرگاه در مهلت یکماهه مذکور در ماده قبل، به تشخیص شعبه صادرکننده دستور موقت، ادامه آن ضرورتی نداشته باشد، دستور موقت لغو می‌شود.

ماده ۳۰- در صورت قبول دستور موقت یا لغو آن، مفاد آن به طرفین شکایت و در صورت رد آن، صرفاً به شاکی ابلاغ می‌شود.

فصل پنجم - رسیدگی و صدور رأی در شعب دیوان

ماده ۳۱- در صورت ضرورت به تشخیص رئیس دیوان یا رئیس شعبه، رسیدگی به پرونده‌های مطروحه در شعب دیوان و شعب تشخیص آن، خارج از نوبت به عمل می‌آید.

ماده ۳۲- پس از ارجاع پرونده به شعبه، چنانچه رئیس شعبه اخذ توضیح از هر یک از طرفین شکایت را لازم بداند، با ذکر موارد و تعیین وقت، آنها را برای حضور در جلسه رسیدگی، دعوت می‌نماید. در صورت عدم حضور، شعبه آنان را احضار و نتیجه عدم حضور را به آنان اعلام می‌کند و حسب مورد وفق تبصره‌های ماده (۳۱) قانون دیوان، اقدام می‌کند.

ماده ۳۳- هرگاه رسیدگی به شکایت، در صلاحیت سایر مراجع قضایی باشد، شعبه دیوان با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به مرجع قضایی ذیصلاح ارسال و مراتب را به شاکی اعلام می‌کند و چنانچه موضوع را در صلاحیت مراجع غیرقضایی بداند، قرار رد شکایت صادر می‌نماید.

ماده ۳۴- شاکی می‌تواند دادخواست خود را قبل از وصول پاسخ طرف شکایت، مسترد کند. در این صورت، شعبه قرار ابطال دادخواست صادر می‌کند و شاکی می‌تواند دادخواست خود را تجدید نماید. پس از وصول پاسخ، به استرداد دادخواست ترتیب اثر داده نمی‌شود.

ماده ۳۵- شاکی می‌تواند قبل از صدور رأی، از شکایت خود به کلی صرف‌نظر نماید. در این صورت، قرار سقوط شکایت صادر می‌شود و شکایت مجدداً قابل طرح نخواهد بود.

ماده ۳۶- چنانچه شاکی یا طرف شکایت قبل از صدور رأی، تقاضای مهلت برای حصول سازش نمایند، شعبه دیوان، دادرسی را به مدت یک ماه از تاریخ تقاضا متوقف می‌نماید و در صورتی که

طرفین تقاضای مهلت برای مذاکرات اصلاحی جهت حصول سازش داشته باشند، دادرسی با توافق طرفین و برای حداکثر مدت شش ماه از تاریخ تقاضا، به تأخیر می‌افتد و در صورت حصول سازش، شعبه وفق قوانین رای صادر می‌کند.

ماده ۳۷- شاکی می‌تواند تا قبل از صدور رأی، تقاضای اصلاح دادخواست کند. قبول این تقاضا پس از ارسال دادخواست و ضامن آن برای طرف شکایت، مشروط به این است که به تشخیص شعبه، ماهیت موضوع تغییر نکرده باشد و شعبه بتواند بدون نیاز به ارسال مجدد دادخواست، بر اساس دادخواست اصلاح شده، رأی صادر نماید.

ماده ۳۸- هرگاه رسیدگی دیوان منوط به ثبوت امری در مرجع صلاحیتدار دیگری باشد، رسیدگی تا اعلام نتیجه قطعی از طرف مرجع مزبور، متوقف و مراتب به طرفین ابلاغ می‌شود. ذی‌نفع باید ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ اخطاریه دیوان، به مرجع صلاحیتدار مراجعه و گواهی دفتر مرجع مزبور مبنی بر طرح موضوع را به دیوان تسلیم نماید وگرنه در مورد شاکی، قرار ابطال دادخواست، صادر و در مورد طرف شکایت، ادعای وی در آن قسمت، بلااثر تلقی می‌شود.

ماده ۳۹- در مواردی که نیاز به بررسی پرونده از سوی مشاور باشد، رئیس شعبه پس از وصول پاسخ طرف شکایت، نظر خود را به طور کتبی اعلام و با ذکر جهات مورد مشاوره و تعیین زمان مناسب، پرونده را به مشاور موضوع ماده (۹) قانون دیوان ارجاع می‌کند. مشاور ظرف مهلت مقرر نسبت به بررسی پرونده و اظهار نظر مستدل اقدام می‌نماید. مهلت تعیین شده با موافقت رئیس شعبه قابل تمدید است.

ماده ۴۰- شعب دیوان می‌توانند اسناد، مدارک و پرونده‌های موردنیاز مربوط را از واحدهای دولتی یا عمومی مطالبه و ملاحظه نمایند. واحدهای مزبور مکلفند موارد درخواستی را ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، به شعبه دیوان ارسال کنند. مطالبه اسناد طبقه‌بندی شده مطابق مقررات مربوط خواهد بود.

ماده ۴۱- در صورتی که واحد دولتی یا عمومی مربوط بدون عذرموجه از ارسال اسناد، مدارک و پرونده‌های مورد مطالبه در مهلت مقرر، استنکاف کند و با وجود مطالبه مجدد، از ارسال آنها ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ امتناع نماید، مستنکف به مجازات مقرر در ماده (۳۲) قانون دیوان محکوم خواهد شد.

ماده ۴۲- شکایات مطروحه در شعب دیوان که دارای موضوع واحد یا مرتبط باشند، به دستور رئیس دیوان، جهت رسیدگی به شعبه‌ای که از لحاظ تاریخ ارجاع مقدم است، ارجاع می‌شود.

ماده ۴۳- در صورتی که شعبه دیوان از فوت یا محجور شدن شاکی یا زوال سمت نماینده قانونی مطلع شود، چنانچه پرونده آماده صدور رأی باشد، نسبت به صدور رأی اقدام می‌کند و چنانچه پرونده نیاز به تکمیل تحقیقات داشته باشد، تا تعیین و معرفی قائم مقام قانونی متوفی یا محجور، قرار توقف

دادرسی صادر و مراتب از طریق دفتر به نشانی شاکی اعلام می‌شود. در هر صورت، صدور رأی در این مورد، فوری و خارج از نوبت انجام می‌شود.

ماده ۴۴- در صورت احراز هر یک از جهات زیر، شعبه دیوان حتی قبل از ارسال دادخواست و ضمایم به طرف شکایت، قرار رد شکایت را صادر می‌کند:

الف - شاکی برای طرح شکایت، اهلیت قانونی نداشته باشد؛

ب - سمت شاکی یا وکیل یا نماینده قانونی او، محرز نباشد؛

ج - شاکی در شکایت مطروحه، ذی‌نفع نباشد؛

د - شکایت متوجه طرف شکایت، نباشد؛

ه - شکایت خارج از موعد قانونی، مطرح شده باشد؛

و - شکایت طرح شده قبلاً بین همان اشخاص یا اشخاصی که اصحاب دعوا، قائم مقام آنان هستند، رسیدگی شده و حکم قطعی نسبت به آن صادر شده یا به هر صورت موجب رسیدگی به شکایت، منتفی شده باشد.

ماده ۴۵- هرگاه شاکی، اخذ توضیح از شخص حقیقی یا حقوقی دیگری غیر از طرف شکایت را لازم بداند، می‌تواند ضمن دادخواست تقدیمی یا درخواست جداگانه، حداکثر ظرف سی روز پس از ثبت دادخواست اصلی، تقاضای خود را مطرح کند. همچنین در صورتی که طرف شکایت، اخذ توضیح از شخص حقیقی یا حقوقی دیگری را ضروری بداند، می‌تواند ضمن پاسخ کتبی، درخواست خود را مطرح کند. در این صورت، دفتر شعبه دیوان تصویری از دادخواست، لوایح و مستندات طرفین را برای شخص ثالث ارسال می‌کند و از وی توضیح می‌خواهد و نهایتاً با ملاحظه پاسخ هر سه طرف و بررسی دلایل آنان، اقدام به صدور رأی می‌نماید.

تبصره - شعبه دیوان در صورت لزوم می‌تواند فرد ثالث را برای ادای توضیح، دعوت نماید.

ماده ۴۶- هرگاه شخص ثالثی در موضوع پرونده مطروحه در شعبه دیوان، برای خود حقی قائل باشد یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند، می‌تواند با تقدیم دادخواست، وارد دعوا شود. در صورتی که دادخواست مذکور قبل از صدور رأی واصل شود، شعبه مطالب مطروحه در دادخواست ثالث را مدنظر قرار داده و پس از ارسال دادخواست وی برای طرفین دعوی و وصول پاسخ آنان با ملاحظه پاسخ هر سه طرف، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

ماده ۴۷- در صورتی که محتوای شکایت و دادخواست مطروحه در شعبه دیوان، علاوه بر طرف شکایت، حاوی مطالبی علیه شخص ثالث باشد، این امر مانع رسیدگی شعبه در مورد خواسته اصلی نخواهد بود، ولی شعبه رسیدگی‌کننده می‌تواند با ارسال تصویری از دادخواست و ضمایم آن برای شخص مذکور، وی را دعوت به حضور جهت ادای توضیح نموده یا درخواست ارسال لایحه از وی بنماید.



ماده ۴۸- آرای شعب دیوان که بدون دخالت فرد ثالث ذی نفع در مرحله دادرسی، صادر شده باشد، در صورتی که به حقوق شخص ثالث، خلل وارد نموده باشد، ظرف یک سال از تاریخ اطلاع، قابل اعتراض است. این اعتراض در شعبه رسیدگی کننده به پرونده، مطرح می شود و شعبه مزبور با بررسی دلایل ارایه شده، مبادرت به صدور رأی می نماید.

ماده ۴۹- ملاک در صدور رأی در شعب دیوان، نظر موافق حداقل دو قاضی و در شعب تشخیص، نظر موافق حداقل سه قاضی است. عدم حضور قاضی سوم در شعب دیوان و قاضی چهارم و پنجم در شعب تشخیص، یا نظر مخالف آنان، مانع از صدور رأی به ترتیب یادشده نیست. در صورتی که در شعبه دیوان فقط دو قاضی و در شعبه تشخیص فقط سه یا چهار قاضی حضور داشته باشند و بین آنان اختلاف نظر وجود داشته باشد و اتفاق نظری که ملاک صدور رأی است، حاصل نشود، رئیس دیوان قضات سایر شعب اعم از مستشار یا دادرس را مأمور به شرکت در رأی می نماید. در این صورت بر طبق نظری که در شعب دیوان دو قاضی و در شعب تشخیص سه قاضی بر آن اتفاق داشته باشند، صدور رأی خواهد شد.

ماده ۵۰- شعبه دیوان پس از رسیدگی و تکمیل تحقیقات و شور، ختم رسیدگی را اعلام و حداکثر ظرف یک هفته مبادرت به صدور رأی می نماید.

ماده ۵۱- دادنامه صادر شده باید حاوی نکات زیر باشد:

الف - تاریخ و شماره دادنامه و شماره پرونده؛

ب - مرجع رسیدگی و نام و نام خانوادگی رئیس یا دادرس و مستشاران شعبه؛

ج - مشخصات شاکی و وکیل یا نماینده قانونی او با قید اقامتگاه؛

د - مشخصات طرف شکایت و وکیل یا نماینده قانونی او با قید اقامتگاه؛

ه - موضوع شکایت و خواسته؛

و - گردشکار، متضمن خلاصه شکایت و دفاع طرف شکایت، سایر تحقیقات انجام شده و اشاره به نظریه مشاور، در صورتی که طبق ماده (۹) قانون دیوان، پرونده به مشاور ارجاع شده باشد و تصریح به اعلام ختم رسیدگی؛

ز - موضوع رأی دیوان متضمن جهات، دلایل، مستندات، اصول و مواد قانونی که رأی بر اساس آن صادره شده است؛

ح - امضای رئیس یا دادرس و مستشاران و مهر شعبه.

تبصره - در صورتی که رأی بر مبنای نظر اکثریت صادر شود، نظر اقلیت نیز در پیش نویس رأی درج و به امضای آنان می رسد.

ماده ۵۲- دادنامه صادر شده از سوی شعب دیوان در دفتر مخصوص ثبت و رونوشت آن ظرف پنج روز جهت ابلاغ به طرفین اسال می گردد. ابلاغ آرای دیوان می تواند به یکی از طرق زیر صورت گیرد:

- الف - به طرفین شکایت یا وکیل یا نماینده قانونی آنان در شعبه دیوان، توسط دفتر شعبه؛
ب - از طریق اداره ابلاغ دیوان، به موجب مقررات آیین دادرسی مدنی؛
ج - از طریق پست الکترونیک یا نامبر، به واحدهای دولتی و عمومی یا شکاتی که قبلاً این طریق را برای ابلاغ انتخاب کرده باشند، با گرفتن تأییدیه ارسال؛
د - توسط دفاتر اداری دیوان مستقر در مراکز استانها از طریق بندهای (الف) و (ج) فوق؛
ه - توسط اداره ابلاغ دادگستری محل اقامت فرد ابلاغ شونده در مواردی که از طریق نامبر به آنها منعکس شده است.

فصل ششم - تجدیدنظر

ماده ۵۳ - تجدیدنظرخواهی موضوع مواد (۳۷) و (۴۳) قانون دیوان، با تقدیم دادخواست انجام می‌گیرد. دادخواست تجدیدنظر باید روی برگه‌های مخصوص نوشته شده و حاوی نکات زیر باشد:

الف - مشخصات و اقامتگاه تجدیدنظرخواه؛

ب - شماره و تاریخ رای تجدیدنظر خواسته؛

ج - شعبه صادرکننده رای تجدیدنظر خواسته؛

د - تاریخ ابلاغ رای تجدیدنظر خواسته؛

ه - دلایل و جهات تجدیدنظرخواهی.

و - امضا یا اثر انگشت تجدیدنظرخواه.

تبصره - رعایت مقررات مواد (۱۱) تا (۱۴) این قانون در تقدیم دادخواست تجدیدنظر، ضروری است.
ماده ۵۴ - تجدیدنظرخواه می‌تواند دادخواست خود را به دفتر شعبه صادرکننده رای یا دبیرخانه یا دفتر اداری دیوان ارائه نماید. مقررات مربوط به تنظیم، ارسال دادخواست تجدیدنظر و ثبت آن در دبیرخانه و دفاتر اداری دیوان، همانند مقررات دادخواست شعب دیوان است. دادخواست تجدیدنظر توسط رئیس دیوان به یکی از شعب تشخیص ارجاع می‌شود.

ماده ۵۵ - چنانچه دادخواست تجدیدنظر، فاقد مشخصات تجدیدنظرخواه یا اقامتگاه او باشد، پس از انقضای مهلت تجدیدنظرخواهی، دادخواست به موجب قرار مدیر دفتر شعبه تشخیص، رد می‌شود. این قرار قطعی است. در سایر موارد نقص دادخواست تجدیدنظر، حسب مورد وفق مواد (۱۹) و (۲۰) این قانون، اقدام می‌گردد.

ماده ۵۶ - چنانچه دادخواست تجدیدنظر، خارج از مهلت مقرر، تسلیم شده باشد یا رای تجدیدنظر خواسته از موارد مقرر در مواد (۳۷) و (۴۳) قانون دیوان نباشد، شعبه تشخیص قرار رد دادخواست را صادر می‌کند.

ماده ۵۷- در مواردی که شعبه تشخیص به پرونده‌های عادی رسیدگی می‌کند، شرایط، آثار و نحوه رسیدگی و ترکیب قضات شعبه، همانند شعبه دیوان می‌باشد. تعیین قضات رسیدگی‌کننده با رییس همان شعبه تشخیص می‌باشد.

ماده ۵۸- در صورت صدور حکم محکومیت مطابق ماده (۳۲) قانون دیوان، چنانچه پس از اعتراض محکوم‌علیه و قبل از صدور رأی شعبه تشخیص، شخص یا اداره طرف شکایت نسبت به اجرای حکم اقدام نماید، شعبه تشخیص حکم به رفع اثر از حکم انفصال محکوم‌علیه، صادر می‌کند. حکم به جبران خسارت، مشمول این ماده نمی‌گردد.

تبصره - در صورتی که حداکثر تا یک سال پس از قطعیت حکم انفصال، حکم صادر شده در پرونده اصلی توسط اداره طرف شکایت یا مدیر بعدی اجرا گردد، رییس دیوان به پیشنهاد مدیر منفصل یا اداره طرف شکایت و با موافقت رییس قوه قضائیه از حکم انفصال رفع اثر می‌نماید.

ماده ۵۹- احکامی که به استناد تبصره‌های (۲) و (۳) ماده (۳۱) و مواد (۳۲) و (۴۵) قانون دیوان صادر شده‌اند، قطعی است، ولی در صورتی که فرد یا اداره طرف شکایت، موارد درخواستی دیوان را اجراء نموده و موضوع را به شعبه دیوان گزارش دهند، شعبه موضوع را مجدداً بررسی و حکم به رفع اثر از حکم انفصال محکوم‌علیه صادر می‌کند. رفع اثر از حکم انفصال در مورد تبصره‌های (۲) و (۳) ماده (۳۱) و ماده (۳۲) قانون دیوان منوط به عدم صدور رأی در پرونده اصلی است.

ماده ۶۰- مهلت طرح آرای موضوع مواد (۱۶) و (۱۸) قانون دیوان در شعب تشخیص، دو ماه از تاریخ ابلاغ رأی می‌باشد. در این موارد نیازی به تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی نمی‌باشد.

ماده ۶۱- چنانچه شعبه تشخیص اعتراضات وارد شده به آرای شعب دیوان و همچنین اشتباهات اعلام شده در مواد (۱۶) و (۱۸) قانون دیوان را بپذیرد، اقدام به نقض رأی نموده و گرنه رأی مذکور را ابرام می‌کند. در صورت نقض رأی، چنانچه رأی یادشده قرار باشد، پرونده را جهت ادامه رسیدگی، به شعبه رسیدگی‌کننده اعاده می‌نماید و گرنه پس از رسیدگی، مبادرت به صدور رأی می‌کند.

فصل هفتم - هیئت عمومی

ماده ۶۲- ابطال مصوبات در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، با تقدیم دادخواست انجام می‌گیرد. در دادخواست مذکور، تصریح به موارد زیر ضروری است:

الف - مشخصات و اقامتگاه درخواست‌کننده؛

ب - مشخصات مصوبه مورد اعتراض؛

ج - ماده قانونی یا حکم شرعی که ادعای مغایرت مصوبه با آن شده است؛

د - دلایل و جهات اعتراض از حیث مغایرت مصوبه با شرع یا قانون یا خروج از اختیارات مرجع تصویب‌کننده.

ه - امضا یا اثر انگشت درخواست کننده.

تبصره - سایر مقررات مربوط به تنظیم، ارسال و ثبت دادخواست، به استثنای ذی نفع بودن درخواست کننده و الزام به پرداخت هزینه دادرسی، در دادخواست ابطال مصوبه نیز جاری است. دادخواست‌ها توسط رییس دیوان، به دفتر هیئت عمومی ارجاع می‌شود.

ماده ۶۳ - مدیر دفتر هیئت عمومی پس از ثبت دادخواست، در صورت نقص مورد (الف) ماده (۶۲) این قانون، ظرف پنج روز، قرار رد دادخواست را صادر نموده و در صورت نقص موارد (ب) تا (د) آن، با ذکر جهات نقص، اخطار رفع نقص صادر می‌کند. متقاضی مکلف است ظرف ده روز پس از ابلاغ، نسبت به رفع نقص اقدام کند، در غیر این صورت، مدیر دفتر، قرار رد دادخواست را صادر می‌کند. این قرارها قطعی است. دادخواستی که دارای شرایط بند (ه) ماده مذکور نباشد، مطابق مفاد ماده (۲۰) این قانون توسط مدیر دفتر بایگانی خواهد شد.

ماده ۶۴ - چنانچه دادخواست مشمول ماده (۳۹) قانون دیوان باشد، مدیر دفتر هیئت عمومی، دادخواست را به نظر رییس دیوان می‌رساند تا وفق حکم آن ماده اقدام شود. در بقیه موارد، دادخواست جهت اخذ پاسخ مرجع تصویب کننده و قرار گرفتن در نوبت رسیدگی، به دفتر اعاده می‌گردد.

ماده ۶۵ - مدیر دفتر هیئت عمومی نسخه‌ای از دادخواست و ضمائم آن را برای مرجع تصویب کننده، ارسال می‌کند. مرجع مربوط مکلف است ظرف دو ماه از تاریخ ابلاغ، نسبت به ارسال پاسخ اقدام کند. در هر صورت، پس از گذشت سه ماه از تاریخ ابلاغ، هیئت عمومی به موضوع رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید.

تبصره - چنانچه مرجع تصویب کننده در ظرف مقرر درخواست تمدید مهلت برای ارسال پاسخ نماید، رییس دیوان می‌تواند رسیدگی به پرونده را تا سه ماه دیگر به تأخیر اندازد.

ماده ۶۶ - با توجه به ضرورت بررسی تخصصی موضوعات، رییس دیوان می‌تواند قبل از طرح دادخواست در هیئت عمومی، پرونده را به کمیسیون‌های تخصصی مشورتی مرکب از قضات شعب رسیدگی کننده به موضوع، ارجاع نماید. این کمیسیون‌ها موضوع را بررسی و ضمن تنظیم گزارش از پرونده، نظر مشورتی خود را جهت طرح در جلسه هیئت عمومی، ارائه می‌نمایند.

تبصره - نحوه تشکیل کمیسیون‌های مشورتی و اظهار نظر آنان، بر اساس دستورالعملی است که توسط رییس دیوان، تهیه و ابلاغ می‌گردد.

ماده ۶۷ - در جلسه هیئت عمومی، پس از انجام مشاوره و اعلام کفایت مذاکرات، رأی اکثریت اعضای حاضر معتبر خواهد بود.

تبصره - در موارد ضروری به تشخیص رییس جلسه هیئت عمومی یا با تقاضای ده نفر از قضات حاضر در جلسه، رأی گیری با ورقه انجام خواهد شد.

فصل هشتم - اجرای احکام:

- ماده ۶۸- احکام دیوان توسط مدیران دفاتر شعب و تحت نظارت رییس شعبه مربوط اجرا می گردد.
- ماده ۶۹- پس از ابلاغ رأی دیوان، محکوم علیه مکلف است ظرف یک ماه نسبت به اجرای دادنامه یا جلب رضایت محکوم له اقدام و نتیجه را به طور کتبی به شعبه صادرکننده رأی، گزارش نماید.
- تبصره - پس از انقضای مهلت مذکور در این ماده، محکوم علیه می تواند جهت اجرای رأی از شعبه مذکور برای مدت حداکثر دو ماه استمهال بخواهد.
- ماده ۷۰- چنانچه محکوم علیه از اجرای رأی استنکاف نماید، شعبه صادرکننده رأی وی را به انفصال موقت از خدمات دولتی تا پنج سال محکوم می نماید. رأی صادر شده ظرف بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظر در شعبه تشخیص دیوان می باشد.
- ماده ۷۱- چنانچه محکوم علیه در رابطه با اجرای حکم مواجه با ابهام یا معاذیر و موانع قانونی باشد و حکم را قابل اجرا نداند، موضوع را به شعبه صادرکننده رأی منعکس می نماید و شعبه مذکور طرفین را نسبت به توافق ترغیب و در صورت حصول توافق گزارش اصلاحی تنظیم می نماید. اجرای مفاد گزارش مزبور برای طرفین الزامی است و چنانچه محکوم علیه از اجرای آن نیز خودداری نمود، شعبه صادرکننده با درخواست محکوم له نسبت به اجرای مفاد آن اقدام می کند.
- ماده ۷۲- در صورتی که از آرا و تصمیمات مراجع مذکور در بند (۲) ماده (۱۳) قانون دیوان شکایت شود و دیوان نسبت به آنها ورود پیدا کرده و نقض نماید، شعبه هم عرض با رعایت مفاد رأی دیوان مبادرت به رسیدگی و صدور حکم می نماید. چنانچه شعبه هم عرض رأی اصراری صادر کند و از آن رأی نیز شکایت به عمل آید، شعبه دیوان موظف است در صورتی که اعتراض را وارد بداند، ضمن نقض رأی در ماهیت موضوع نیز اتخاذ تصمیم نماید.
- ماده ۷۳- ضابطان دادگستری و نیروهای انتظامی و نظامی، رؤسای سازمان های دولتی و وابسته به دولت یا مؤسسات عمومی، مکلفند دستورات صادر شده از دیوان در مقام اجرای حکم را اجرا کنند. تخلف از مقررات این ماده، علاوه بر تعقیب اداری و انتظامی برحسب مورد، مستوجب مجازات مقرر در ماده (۳۷) قانون دیوان نیز خواهد بود.

فصل نهم - اعاده دادرسی

- ماده ۷۴- نسبت به احکامی که قطعیت یافته است، درخواست اعاده دادرسی به جهات ذیل امکان پذیر است:

- الف - حکم خارج از موضوع شکایت صادر شده باشد؛
ب - حکم به میزان بیشتر از خواسته صادر شده باشد؛



- ج - در مفاد حکم تضاد وجود داشته باشد؛
- د - حکم صادر شده با حکم دیگری در خصوص همان دعوا و اصحاب آن که قبلاً توسط همان شعبه یا شعبه دیگر صادر شده است، متضاد باشد، بدون آنکه سبب قانونی موجب این مغایرت باشد؛
- ه - حکم مستند به اسنادی باشد که پس از صدور حکم، جعلی بودن آنها به حکم دادگاه صالح و یا عدم اعتبار آنها به حکم مراجع صالح قانونی ثابت شده باشد؛
- ماده ۷۵ - مهلت دادخواست اعاده دادرسی به شرح زیر می باشد:
- الف - در مورد بندهای (الف) تا (ج) ماده (۷۴)، دو ماه از تاریخ ابلاغ رأی شعبه؛
- ب - در خصوص بندهای (د) تا (و) ماده (۷۴)، دو ماه از زمان حصول سبب اعاده دادرسی؛
- ماده ۷۶ - در دادخواست اعاده دادرسی مراتب زیر درج می گردد:
- الف - نام و نام خانوادگی و محل اقامت و سایر مشخصات درخواست کننده و طرف او؛ در صورتی که درخواست اعاده دادرسی را وکیل تقدیم نماید، باید مشخصات او در دادخواست ذکر و وکالتنامه وی نیز پیوست دادخواست گردد.
- ب - حکمی که مورد درخواست اعاده دادرسی است؛
- ج - مشخصات شعبه صادر کننده حکم؛
- د - جهتی که موجب درخواست اعاده دادرسی شده است.
- ماده ۷۷ - هزینه دادخواست اعاده دادرسی مطابق هزینه تقدیم دادخواست به شعب دیوان می باشد.
- ماده ۷۸ - رسیدگی به دادخواست اعاده دادرسی در صلاحیت شعبه صادر کننده حکم قطعی است. شعبه مذکور بدو در مورد قبول یا رد این دادخواست قرار لازم را صادر می نماید و در صورت قبول دادخواست مبادرت به رسیدگی ماهوی خواهد نمود.
- ماده ۷۹ - شعبه رسیدگی کننده به اعاده دادرسی می تواند در صورت احراز ضرورت، دستور توقف اجرای حکم را صادر نماید.
- ماده ۸۰ - هرگاه پس از رسیدگی، شعبه دادخواست اعاده دادرسی را وارد تشخیص دهد، حکم مورد اعاده دادرسی را نقض و حکم مقتضی صادر می نماید. در صورتی که دادخواست اعاده دادرسی راجع به قسمتی از حکم باشد، فقط همان قسمت نقض یا اصلاح می گردد. چنانچه جهت اعاده دادرسی، مغایرت دو حکم باشد، شعبه رسیدگی کننده پس از قبول اعاده دادرسی حکم دوم را نقض می نماید و حکم اول به قوت خود باقی خواهد بود.
- ماده ۸۱ - نسبت به حکمی که پس از اعاده دادرسی صادر می گردد، دیگر اعاده دادرسی از همان جهت پذیرفته نخواهد شد.

۳۸۶۴۷/۱۶۰۱۶۰
۹ - آذر ۱۳۸۷


جمهوری اسلامی ایران
رئیس جمهور

ماده ۸۲- در اعاده دادرسی غیر از طرفین دعوا، شخص دیگری به هیچ عنوان نمی تواند داخل در دعوا شود.

رئیس جمهور

وزیر دادگستری